

شیخ صدوق

یکی از بزرگترین مرزبانان حماسه جاوید و خدمتگزاران مکتب اهل بیت (ع) و از شاخص ترین دانشمندان جهان اسلام که عمر خود را در راه خدمت به فقه و حدیث شیعه و پاسداری از فرهنگ مهدویت صرف کرد، ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه قمی ملقب به «شیخ صدوق» است که صف اول محدثین و علمای اثناعشر جای دارد و به عنوان یکی از ارکان فقه شیعه به شمار می رود.

پس از گذشت 10 قرن از وفات این محدث بزرگ، برکات آثار و خدماتش باعث شده تا 15 اردیبهشت را به عنوان روز بزرگداشت شیخ صدوق نامگذاری کنند.

شیخ صدوق رحمت الله علیه یکی از برجسته ترین چهره های درخشان علم و فضیلت است که نزدیک به عصر زندگانی ائمه علیهم السلام می زیست و با جمع آوری روایات اهل بیت (ع) و تالیف دهها کتاب نفیس و گرانبها، خدمات ارزنده و کم نظیری به اسلام و تشیع نمود.

تالیفات فراوان و متنوع وی در علوم مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه ای پایان ناپذیر است که با گذشت بیش از یک هزار سال از تاریخ تالیف آن، به جای فرسودگی و بی رونقی، روز به روز بر قدر و قیمت و ارزش و اعتبار آن افزوده شده و جایگاهی بس رفیع و والایافته و بر صدر کتابخانه ها، سینه فقها و دانشمندان قرار گرفته است.

زندگینامه شیخ صدوق

محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به «شیخ صدوق» در سالهای 306 یا 307 هجری قمری در خاندان علم و تقوی در شهر مذهبی قم دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش علی بن حسین بن موسی بن بابویه از علما و فقهای بزرگ زمان خود بود.

گرچه در آن روزگار، عالمان و محدثان بسیاری در قم می زیسته اند ولی پرچم هدایت و مرجعیت بر دوش این عالم عابد و محدث زاهد یعنی علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) بوده است. او دکه ای کوچک در بازار قم داشت و از طریق کسب و کار و در نهایت زهد و عفاف، امرار معاش می نمود و در ساعاتی دیگر از روز در منزل خود به تدریس و تبلیغ احکام و نقل روایات می پرداخت.

جلالت شان و منزلت این عالم ربانی تا بدان پایه رسید که امام حسن عسگری (ع) طی نامه ای، او را با لقب «شیخ»، «فقیه» و «معتد» مورد خطاب قرار داده و توفیقات او را برای کسب رضای پروردگار درخواست کرد.

در این نامه امام حسن عسگری (ع) دعا می فرماید که خداوند در نسل علی بن بابویه، اولاد صالح قرار دهد.

امام معصوم خطاب به این فقیه می نویسد: «اما بعد اوصیک یا شیخی و معتدی و فقیهی ابالحسن علی بن الحسین القمی و فکک الله لمرضاته و جعل من صلیک اولادالصالحین برحمته ...»
«ای فقیه مورد اعتماد من علی بن الحسین قمی که خداوند ترا به کارهای مورد رضایتش توفیق دهد و از نسل تو اولاد صالح بیافریند...»

عمر بابرکت علی بن بابویه از پنجاه می گذشت و او هنوز فرزندی نداشت، لذا نامه ای را از طریق حسین بن روح نوبختی (سومین نایب خاص امام زمان علیه السلام) برای حضرت ولی عصر (عج) فرستاد.

و از ایشان درخواست نمود تا ایشان از خدا بخواهد که خداوند فرزندی صالح و فقیهی خدمتگزار به او عطا نماید. پس از چندی، درخواست او اجابت شد و خداوند به او، «محمد» را عطا کرد که در تاریخ، «شیخ صدوق» نام گرفت.

شیخ صدوق روزگار طفولیت و سنین جوانی را در دامان علم و فضیلت و تقوای خانوادگی اش سپری کرد و تحت تعلیم و تربیت پدر قرار گرفت، به گونه ای که به لحاظ تیزهوشی و حافظه فوق العاده قوی در مدتی کوتاه به قله های بلندی از کمالات انسانی دست یافت و توانست در کمتر از بیست سالگی، هزاران حدیث با سلسله سند آنها را حفظ نماید و از همه مهمتر به آنها عمل نماید.

یکی از حوادث مهم دوران زندگی شیخ صدوق، روی کارآمدن سلسله ایرانی نژاد و شیعه مذهب «آل بویه» بود که بر بخش بزرگی از ایران، عراق و جزیره العرب تا مرزهای شمالی شام فرمان می راندند. وی در این هنگام از قم به ری آمده و به درخواست «رکن الدوله دیلمی» در آنجا رحل اقامت گزید. به نظر می رسد علت اصلی این دعوت و عزیمت، خلایی بوده که پس از هجرت شیخ

کلینی از ری به بغداد و سپس رحلت او پیش آمده بود و در حقیقت، وجود شیخ صدوق در ری می توانست منشا برکات فراوان باشد.

آثار علمی صدوق

عصر صدوق را باید « عصر احیا و تنقیح حدیث » نامید زیرا پس از رحلت پیامبر اسلام، بازار جعل حدیث رونق گرفت و کارخانه حدیث سازی خلفا بکار افتاد و کسانی پیدا شدند که بطور حرفه ای، احادیثی را جعل و به پیامبر و ائمه نسبت می دادند.

از این رو محدث بزرگوار « کلینی » که از « کلین » به « ری » هجرت کرده بود، در آنجا کتاب شریف کافی - اولین کتاب از مجموعه چهارگانه کتب روایی و حدیثی شیعه - را نگاشت و حرکت علمی جدیدی را در مکتب حدیث نگاری اهل بیت علیهم السلام بنیانگذاری نمود که پس از او، « شیخ صدوق » بنای مستحکم ضبط و نشر حدیث را بر آن بنیاد نهاد.

شیخ صدوق در راه جمع آوری احادیث، از بلخ تا بخارا، از کوفه تا بغداد، از مشهد تا نیشابور، و از آنجا تا مکه و مدینه سفر کرد و مشکلات فراوانی را به جان خرید و با کوله باری از احادیث پیامبر و اهل بیت (ع) به ری بازگشت. رفته رفته به یمن دعای حضرت امام حسن عسگری (ع) و حضرت ولی عصر (عج)، برکت وجود شیخ صدوق در جهان اسلام فراگیر و شهرتش عالمگیر شد و همه دانشوران در برابر عظمت و گستردگی دانش او خضوع کردند و از شعاع وجودی او بهره مند شدند.

جمع آوری و تدوین حدیث با توجه به موقعیت زمانی (قرن چهارم) و کمبود امکانات نگارشی و تحقیقی در آن عصر، حاکی از تلاش طاقت فرسای اوست که امروز انجام چنین امر بزرگی با وجود امکانات زیاد، حتی از توان یک گروه علمی هم خارج است.

این عالم بزرگ و محدث کبیر، تالیفات ذیقیمت و بسیاری از خود برجای گذاشته که پرداختن به آنها، کتابنامه مستقلی را می طلبد. شیخ طوسی در کتاب « الفهرست »، نوشته های صدوق را نزدیک به 300 کتاب عنوان کرده است.

کتابهای شیخ، همه در نهایت نیکویی، استحکام و حسن سلیقه و شیوایی است. ابتکار وی در انتخاب موضوعات زنده و متنوع و مطالب موردنیاز جامعه، کم نظیر است. این دانشمند بزرگ هم در زمینه فقه و احکام دین کتاب نوشته (المقنع) و هم فلسفه احکام و علت تشریح آنها را بیان کرده (علل الشرایع) و هم وظایف عملی مسلمین را تبیین نموده (دعائم الاسلام فی معرفه الحلال والحرام) و هم مسائل عقیدتی و فکری را به بهترین وجه تشریح کرده (التوحید) و هم در اثبات ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام کتاب نوشته (اثبات الوصیه، اثبات النص علی الائمه) و هم تاریخ زندگانی ائمه را به رشته تحریر درآورده (عیون اخبارالرضا) هم کامل ترین و مستدل ترین کتاب را درباره اثبات وجود امام زمان (عج) و دلایل غیبت به نام « کمال الدین و تمام النعمه » تالیف کرده است. درباره این کتاب همین بس که شیخ صدوق هنگامی که در مکه بود، امام زمان (عج) را در خواب مشاهده می کنند که به او فرمود « کتابی در غیبت ما تصنیف کن و عمر معمرین را در آن بنویس ». و پس از آن، شیخ این کتاب را تالیف کرد.

شیخ صدوق کتابهایی نیز در زمینه شعر نگاشته (تفسیر قصیده فی اهل البیت) و یا در زمینه سخنان حکمت آمیز و حوادث تاریخی و احکام فقهی کتاب نوشته (خصال) و هم با درک نیاز شدید جامعه و احساس خلا در زمینه احکام الهی و فقه ائمه معصومین (ع) اقدام به تصنیف یکی از بزرگترین جوامع روایی و دومین کتاب از کتب اربعه نمود (من لایحضره الفقیه)

غروب خورشید

شیخ صدوق سرانجام پس از عمری تلاش و تحقیق در سنگر پاسداری از حریم تشیع و فقه اهل البیت (ع) در سال 381 هـ. ق در 75 سالگی دعوت پروردگار خویش را لبیک گفت و در شهر ری، در جوار رحمت بی منتهای او جا گرفت.

این محل سپس به نام « ابن بابویه » به یکی از قبرستانهای کهن و دیرین منطقه ری تبدیل شد که افراد وصیت می کردند، پیکرشان در کنار این عالم بزرگ که حق بزرگ وی به اسلام و مسلمین غیرقابل انکار است، دفن شوند. این آرامگاه در طول تاریخ، همواره زیارتگاه مسلمانان بوده و قبر منورنش محل استجابت دعای مومنان گردیده است.

گرچه در طول تاریخ، این آرامگاه همواره مورد احترام شیعیان بوده ولی حادثه ای که در سال 1238 هـ. ق اتفاق افتاد، عظمت و اعتبار صدوق را در نزد زائران حرمش بیشتر معلوم کرد و ارادت آنان را نسبت به وی دوچندان کرد.

صاحب « روضات الجنات » نقل می کند که در زمان فتحعلی شاه، در سال 1238 هـ. ق باران زیادی بارید که بر اثر آن، اطراف مزار شریف شیخ صدوق فروکش کرد و شکافی در کنار آن پدید آمد. مومنان در پی اصلاح برآمدند و هنگام تعمیر به سردابی که جسد شیخ در آن مدفون بود، رسیدند. وقتی که وارد سرداب شدند، جسد را سالم یافتند که آثار رنگ حنا هنوز بر ناخنهای وی باقی بود. این خبر به سرعت در تهران پیچید تا آنکه فتحعلی شاه قاجار نیز از آن مطلع گشت و دستور داد تا سرداب را نبوشانند تا او شخصا جسد را ببیند. شاه و همراهان وی در محل حاضر شدند و به همراه جمعی از بزرگان و علما به سرداب وارد شدند و همگی جسد را سالم مشاهده کردند. آنگاه دستور دادند تا سرداب را ببوشانند و پس از آن دستور تعمیر و تجدید بنای بقعه را صادر کرد.

چند نمونه حدیثی

در اینجا به ذکر چند حدیث از کتب شریف آن فقیه حدیث شناس، اکتفا می کنیم:

امام پنجم علیه السلام فرمودند: « گویا یاران حضرت مهدی (عج) را می بینم که همه چیز و همه کس در اطاعت آنانند، حتی حیوانات وحشی، زمین و پرندگان آسمان، تا آنجا که گوشه ای از زمین بر گوشه ای دیگر افتخار می کند که امروز یکی از یاران قائم (عج) بر روی من پای گذاشته است! »

2 - کمال الدین 162,2 :

امام عصر علیه السلام فرمودند :

« برای تعجیل فرج من بسیار دعا کنید که گشایش امور شما در آن است . »

3 - عیون الاخبار 59,2 :

رسول اکرم (ص) فرمودند :

« قیامت برپا نشود تا قائم برحق ما، قیام کند و این قیام زمانی که خداوند اذن دهد صورت می گیرد. هر که از او (عج) پیروی کند نجات یابد و هر که تخلف از وی نماید، نابود شود.

نکاتی دیگر از زندگی شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق (ابن بابویه) نزد اساتید زیادی از جمله پدرش شاگردی کرد و ادب و فقه را فرا گرفت .

پدرش، ابو الحسن علی بن حسین بن موسی قمی، نیز از فقهای شیعه بود که با حسین بن روح، نایب سوم امام زمان، نیز ملاقات داشت. او به دعای امام زمان صاحب سه فرزند شد که محمد (شیخ صدوق) بزرگترین آنها بود.

شیخ صدوق برای ملاقات با ابو عبدالله نعمت رقیب به بلخ رفت و کتاب «من لا یحضره الفقیه» را به نام او نوشت. شیخ در اواخر عمر در شهر ری زندگی می کرد که تحت سیطره آل بویه بود و «رکن الدوله» و وزیر او، «صاحب ابن عباد»، او را بسیار گرامی می داشتند .

ابن بابویه به سال 381 هجری قمری در ری در گذشت و در همان جا مدفون گشت. مزار او تاکنون باقی مانده است.

از کتاب های اوست: «من لا یحضره الفقیه»، «علل الشرایع»، «ثواب الاعمال»، «کتاب الخصال»، «کتاب الاعتقادات»، «عیون اخبار الرضا» و «کتاب التوحید».

ولادت: محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به ابن بابویه و شیخ صدوق، از مفاخر فقهای دنیای شیعه و محدث عالی مقام در نیمه دوم سده چهارم هجری است.

بعد از سال 305 هـ . ق، که نایب دوم امام زمان علیه السلام از دنیا رفت، شیخ اجل حسین بن روح نوبختی به عنوان نایب سوم امام علیه السلام بین شیعیان و حضرت گردید. علی بن بابویه قمی پدر شیخ صدوق که از علمای قم بود، وارد بغداد شد، و چون تا آن زمان صاحب فرزندی نشده بود، و از این نظر رنج می برد لذا فرصت را مغتنم شمرد، و ضمن نامه ای به حسین بن روح نوبختی، از او تقاضا نمود که در حین شرفیابی به محضر آقا امام زمان علیه السلام نامه او را به آن حضرت تقدیم نماید.

وی در آن نامه اشتیاق خود را به داشتن پسری ابراز کرده بود، و جواب امام زمان علیه السلام هم به او رسید که ما برای تو دعا کردیم و عنقریب خداوند پسری و یا پسرانی فقیه و پاک سرشت به تو خواهد داد.

به این ترتیب عنایت الهی شامل حال وی شده و دعای حضرت حجت علیه السلام به سال 311 هـ. ق با تولد شیخ صدوق تحقق یافت. اسناد این روایت معتبر است، چنانچه شیخ صدوق خود در کتاب گرانقدرش کمال الدین آورده است. و شیخ طوسی در کتاب غیبت صفحه 195 این حدیث را آورده است. همچنین این حدیث را دانشمند رجال شناس شیخ نجاشی در کتاب خود صفحه 184 نقل کرده است. **تحصیلات:** او در روزگار جوانی پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی، علم حدیث و فقه را از مفاخر فقها و محدثین قم همچون پدرش علی بن بابویه و محمد بن حسن بن ولید، پیشوای فقهای قم، احمد بن علی بن ابراهیم قمی، حسین بن ادریس قمی و دیگران آموخت و چون در روزگار سلاطین شیعی آل بویه به سر می برده و آنها بر قسمت اعظم دنیای اسلام تسلط داشتند به منظور دیدار مشایخ دیگر در سایر نقاط شیعه نشین، و سیر و سیاحت به مسافرت دور و درازی همت گماشت.

شیخ صدوق در سال 347 هـ . ق، در ری از ابو الحسن محمد بن احمد بن علی اسدی معروف به ابن جراده بردعی حدیث فراگرفت و در سال 352 هـ . ق، در نیشابور از محضر علمای آن سامان استماع حدیث نموده مانند: ابو علی حسین بن احمد بیهقی، عبد الرحمن محمد بن عبدوس و همچنین در مرو از افرادی همچون ابو الحسن محمد بن علی بن فقیه و ابو یوسف رافع بن عبدالله به اخذ حدیث توفیق یافت که در کوفه، مکه، بغداد، بلخ و سرخس استماع حدیث داشته است.

در سال 347 هـ . ق، به تقاضای رکن الدوله دیلمی در ری، اقامت و به رهبری علمی و مذهبی شیعیان عصر پرداخته است.

شخصیت علمی و معنوی او چنان بود که فقها و دانشمندان شیعه هر جا به نام وی می رسیدند از وی با بهترین عبارات یاد می کردند چنانچه فقیه عظیم الشانی همچون **بحر العلوم** او را (رئیس محدثین) خوانده است.

اساتید: اساتدان شیخ صدوق را نمی توان شمرد، ولی دانشمند محقق مرحوم شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی 252 تن از آنها را نام برده است که گروهی از آنها در زمره مشاهیر بوده و عبارتند از:

- 1 - پدرش علی بن بابویه قمی
- 2 - محمد بن حسن ولید قمی
- 3 - احمد بن علی بن ابراهیم قمی
- 4 - علی بن محمد قزوینی
- 5 - جعفر بن محمد بن شاذان
- 6 - جعفر بن محمد بن قولویه قمی
- 7 - علی بن احمد بن مهریار
- 8 - ابو الحسن خیوطی
- 9 - ابو جعفر محمد بن علی بن اسود
- 10 - ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی
- 11 - احمد بن زیاد بن جعفر همدانی

12 - علی بن احمد بن عبدالله قرقی

13 - محمد بن ابراهیم لیثی

14 - ابراهیم بن اسحاق طالقانی

15 - محمد بن قاسم جرجانی

16 - حسین بن ابراهیم مکتبی

[شاگردان: 1 - شیخ مفید](#)

2 - محمد بن محمد بن نعمان

3 - حسین بن عبدالله

4 - هارون بن موسی تلعبری

5 - برادرش حسین بن علی بن بابویه قمی

6 - برادر زاده اش حسن بن حسین بن بابویه قمی

7 - حسن بن محمد قمی (مؤلف تاریخ قم)

8 - علی بن احمد بن عباس نجاشی (پدر نجاشی)

9 - علم الهدی (سید مرتضی)

10 - سید ابو البرکات علی بن حسین جوزی

11 - ابوالقاسم علی خزاز

12 - محمد بن سلیمان حمرانی

تألیفات: شیخ طوسی نوشته است که شیخ صدوق 300 جلد کتاب تألیف کرده است، و در فهرست خود 40 کتاب و شیخ نجاشی 189 کتاب از وی نام برده اند. برای نمونه چند اثر او را نام می‌بریم:

1 - من لا یحضره الفقیه

2 - کمال الدین و اتمام النعمه

3 - کتاب امالی

4 - کتاب صفات شیعه

5 - کتاب عیون الاخبار امام رضا علیه‌السلام

6 - کتاب مصادقه الاخوان

7 - کتاب خصال

8 - کتاب علل الشرایع

9 - کتاب توحید

10 - کتاب اثبات ولایت علی علیه‌السلام

11 - کتاب معرفت

12 - کتاب مدینه العلم

13 - کتاب مقنع در فقه

14 - کتاب معانی الاخبار

15 - کتاب مشیخته الفقیه

16 - کتاب عیون الاخبار

[گفتار بزرگان:](#)

- شیخ الطایفه محمد بن حسن طوسی متوفی به سال 460 هـ. ق، که با یک واسطه، شاگرد شیخ صدوق بود، از ایشان به این گونه یاد می‌کند: ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، دانشمندی جلیل‌القدر، بزرگوار، حافظ احادیث بوده و در حفظ و کثرت علم و حدیث در میان علمای قم همانندی برای او دیده نشده است و قریب به سیصد جلد کتاب دارد.

- نابغه بزرگ و فقیه سنت شکن، مشهور به محمد بن ادریس حلی متوفی به سال 598 هـ. ق، در کتاب گرانقدر «سرایر» می‌فرماید: «دانشمند موثق بزرگوار، متخصص اخبار، ناقد آثار، عالم به رجال، حافظ بزرگ حدیث، استاد و پیشوای ما شیخ محمد بن بابویه است.

- ابن شهر آشوب او را مبارز قمی نامیده است.

- علامه حلی از وی مانند نجاشی یاد می‌کند که نجاشی وی را وجه الطایفه نامیده است.

- فخر المحققین فرزند برومند علامه حلی از وی به شیخ امام نام می‌برد.

در میان فقهای بزرگ به ذکر گفتار علامه بحر العلوم اکتفا می‌کنیم که می‌نویسد:

ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی پیشوایی از پیشوایان شیعه و ستونی از استوانه های شریعت است. او رئیس محدثین و در آنچه از ائمه صادقین نقل کرده راستگوست. وی با دعای امام زمان علیه‌السلام متولد شد و از این راه به فضیلت و افتخاری بزرگ نایل گشت.»

[وفات:](#)

شیخ ابو جعفر محمد بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق پس از هفتاد و چند سال زندگانی پرافتخار و انجام مسافرت‌های طولانی و تصنیف 300 جلد کتاب با ارزش، سرانجام در سال 381 هـ. ق، در شهر ری چشم از جهان فرو بست و آرامگاهش امروز در شهر ری به نام ابن بابویه مشهور و زیارتگاه مردم مسلمان است.